

# اروپای تحلیل نرفته

منبع: اشپیکل ۲۰۰۲/۹

یهودی‌های اروپایی برای استقبال از روح اصلاحات دلایل زیادی داشتند چون که در آن امید به آزادی‌های مدنی و رعایت حقوق همه آحاد بشر، (عقلانیت) انتقادی، تکثرگرایی غیردینی و تحولات بنیادی در زندگی آن‌ها به وجود می‌آید، آن‌ها امیدوار بودند که کشورهای میزبان از این به بعد آن‌ها را مانند انسان‌هایی با تمام حقوق مدنی بپذیرند. اما ماجرای آقای دریفوس<sup>(۱)</sup> در پایان قرن نوزدهم نشان داد که اصلاحات مدنی (برای زمانی غیرقابل پیش بینی) به تعویق افتاده است. عملکرد صهیونیسم از این اعتقاد نشأت گرفت. ثابت شده است پیدایش "روشنفکری" منطقی در اروپا غیرممکن می‌نماید، لذا یهودی‌ها خواستار سرزمین و دولتی برای خود شدند. فقط تعداد اندکی از صهیونیست‌های اولیه به موضوعی فکر می‌کردند که اکنون موجودیت دولت یهودی را به مخاطره انداخته است: [وجود ملتی دیگر در همان سرزمین].

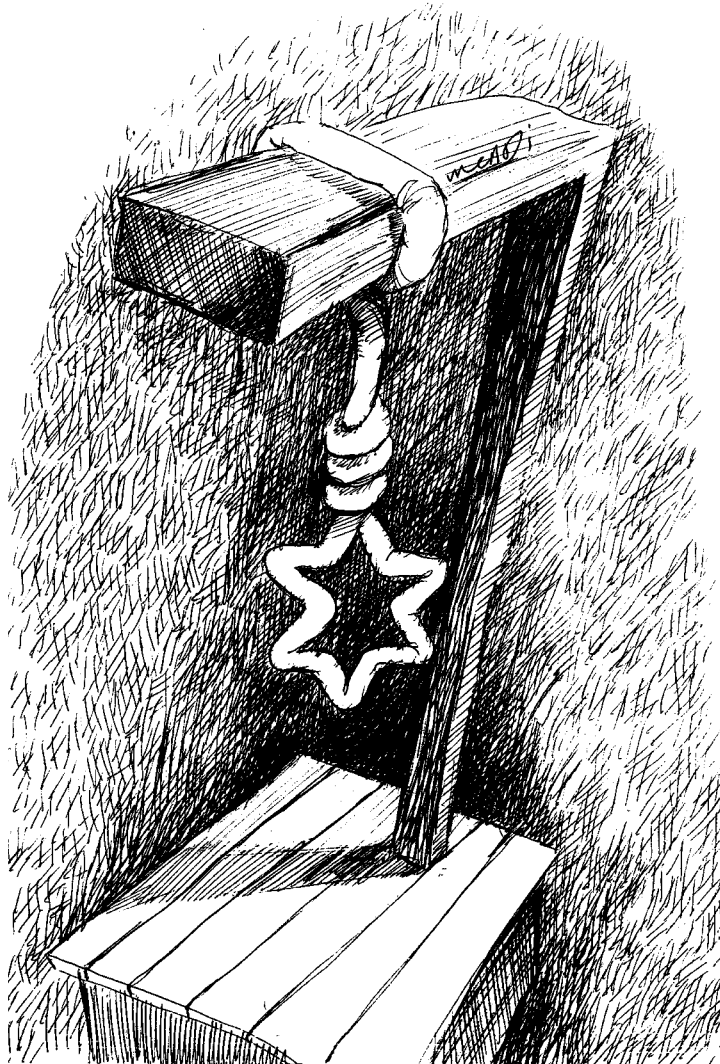
موضوعاتی در ارتباط با این مسأله در سال‌های ابتدایی تشکیل دولت اسرائیل اصولاً مطرح نمی‌شد، چون که این دولت متمرکز، سبب احساس امنیتی قوی در یهودی‌ها شده بود که در دوران وحشت نازی‌ها به شدت تقلیل یافته بود و اروپایی‌ها هم از طرف دیگر فرصت را مغتنم شمردند تا به جبران قتل عام یهودی‌های اروپایی، اسرائیل را یاری کنند. اما آن‌ها در این روند سرنوشت اعراب را نادیده گرفتند.

آن‌گاه که یهودی‌های اروپایی در جهنم فاشیسم گرفتار بودند، یهودی‌های آمریکایی به رفاه و بسیاری موقعیت‌های اجتماعی دست یافتند. در اثر رویکرد جدید پرزیدنت روزولت، یهودی‌ها وارد دولت مرکزی شدند و بعد از ۱۹۴۵ - در اثر انزجار از رفتار نازی‌ها هرگونه تحرک ضدیهودی به حاشیه (زیرزمینی) رانده شد - یهودی‌ها توانستند در ردیف نخست اقتصاد، سیاست، فرهنگ و علم قرار گیرند.

باز بودن جامعه آمریکا به بسیاری از یهودی‌ها این امکان را داد که خود را کاملاً آمریکایی بدانند. آنان خود را با سنت‌های مترقی جامعه دموکراتیک ما هماهنگ کردند. جایی که می‌توانستند به‌عنوان یهودی با امنیت زندگی کنند، اگر چه در بین جامعه هم‌کیش خود نبودند. یهودی‌های قانونگذار، حقوقدان، متفکر و نویسنده سهم بسزایی در شکل‌گیری رفاه اجتماعی کشور داشتند.

در دهه ۶۰ - ۱۹۵۰ بسیاری از یهودی‌ها از مبارزات سیاهپوستان جهت احقاق حقوق مدنی حمایت می‌کردند. یهودی‌های آمریکایی - مانند بسیاری آمریکایی‌های دیگر - اسرائیل را به‌مثابه دژ مطمئنی برای دستیابی به پیروزی جامعه مدرن دموکراتیک می‌پنداشتند. اما در سال‌های دهه ۷۰ موضع‌گیری رادیکال یهودی‌ها برای ترقی و تعالی

اشاره: اگر یهودی‌های آمریکایی از سیاست مشت آهنین نخست‌وزیر اسرائیل حمایت می‌کنند، آیا به این خاطر نیست که مبارزات خود را برای این که به رسمیت شناخته شوند فراموش کرده‌اند؟ آیا اروپایی‌ها باید محدودیت‌ها و یا تحریم‌هایی را بر ضد اسرائیل به کار گیرند، تا شارون را مجبور به تغییر رویه نمایند؟ نورمن بیربنام ۷۵ ساله جامعه‌شناس متولد نیویورک است. او در مبارزات انتخاباتی دموکرات‌های معروفی مانند سناتور ادوارد کندی به نفع آن‌ها شرکت کرد و خواهان تحول اساسی رادیکال در موضع‌گیری‌ها نسبت به بحران خاورمیانه است. بیربنام اسناد بازنشسته دانشگاه جورج تاون در واشنگتن است.



جامعه کم‌رنگ شد. آن‌ها دیگر خود را در حاشیه جامعه نمی‌دیدند. درخواست‌های سیاهپوستان و پروتیک‌ها (پروتیکا یک مستعمره آمریکا است، سکنه آن فقیر هستند و اسپانیایی زبان) برای احقاق حقوق مدنی و تضمینی حق تعلیم و تربیت و اشتغال از دولت را بسیاری از یهودی‌ها حتی به‌عنوان تهدیدات جامعه قلمداد می‌کردند. آن‌ها فراموش کرده بودند که زمانی خود در یک سیستم حقوقی با آن‌هایی (سیاهپوستان و محرومین) متحد بودند، که می‌خواستند موانع و سدهای اجتماعی را از سر راه بردارند.

بعد از جنگ شش روزه ۱۹۶۷ تفکر (مترقی) پیش رو جامعه یهودی آمریکایی با بحران فزاینده و عمیقی روبرو شد. براساس این طرز تفکر جدید منتقدین اشغال سرزمین‌های عربی، خطری برای اسرائیل پیروز به حساب می‌آمدند. برای بسیاری از یهودی‌های ایالات متحده همبستگی با اسرائیل به‌عنوان پیوندی مطمئن با تاریخشان قلمداد می‌شد. هر چه دینداری بیشتر به‌صورت عادت درآمده بود، یا به عبارتی هر چه خود را نسبت به تعلیمات پیامبر یهود بیگانه‌تر احساس می‌کردند، همبستگی آن‌ها با دولت اسرائیل لازم‌تر می‌شد. اگر مطرح کردن دوران وحشت، در سال‌های بعد از جنگ جهانی درآورد بود، در دیدگاه یهودی‌های آمریکایی بعداً به‌عنوان نطفه تجمع آن‌ها جلوه می‌کرد. جامعه‌ای که در اثر یک اتفاق تاریخی از سرنوشت دردناک یهودی‌های اروپایی مصون مانده بود، شعار آنان را ورد زبان خود کرد: هرگز نباید بار دیگر چنین اتفاقی روی دهد. (هرگز نباید یهودی‌ها مانند آشویچ و دحا و غیره قتل عام شوند.)

اما آنان در راه دست‌یابی به هدف درخواست‌های برحق فلسطینی‌ها را با رفتار ضدیهودی اروپایی یکی می‌دانستند و این مقایسه بخصوص موقعی احمقانه‌تر جلوه می‌کند، که ما رفتار استعمارگراییانه و یا حتی نژادپرستانه اسرائیل را در مورد فلسطینی‌ها مدنظر قرار دهیم.

معدالک این تفکر احمقانه و غیرقابل تصور، برای بسیاری از یهودی‌های آمریکایی به‌صورت یک اصل مذهبی و غیربرادرانه درآمده بود. بسیاری از شهرک‌نشین‌های یهودی کرانه باختری رود اردن آمریکایی هستند و برای آن‌ها دنیای غیریهودی، ابتدا به ساکن، دشمن قلمداد می‌شود و یهودی‌های آمریکایی، که اصولاً حتی به فکر ترک آمریکا نیفتاده‌اند، به آن‌هایی که به اسرائیل رفته‌اند، کمک می‌کنند که در اثر این تناقض، تضاد بزرگتری بروز می‌کند.

یهودی‌های آمریکایی که از تمام حقوق تضمین شده دموکراتیک جامعه مدنی و حقوق شهروندی برخوردارند، از به رسمیت شناختن همین ارزش‌ها موقعی که می‌خواهند از یک حکومت مذهبی که ملت دیگری را تحت فشار قرار داده است حمایت کنند، سر باز می‌زنند.

جناح یگنیر و اجرایی سیاست خارجی آمریکا فقط در حاشیه با این نوع تضاد معنوی برخورد می‌کند، ملتی که به خود لقب نگهبان آزادی داده‌اما با فرانکو (دیکتاتور سابق اسپانیا)، پینوشه (دیکتاتور شیلی) و سالازار (دیکتاتور سابق پرتغال) همراه بوده و یا با ژنرال‌های برزیل، یونان، اندونزی، کره جنوبی، پاکستان، ژنرال‌های ترکیه و همین‌طور با شاه ایران و بعد از سقوط او در پی انقلاب ایران با دشمن آن‌ها صدام حسین، همکاری داشته است.

در مقابل این گروه نخست‌وزیر فعلی اسرائیل در مقام مقایسه سبک وزن است!! (مگس وزن است). اسرائیل در دوران جنگ سرد یک متحد نظامی قابل اعتماد بود، نظامیان آن‌ها تجهیزات نظامی جدید را آزمایش می‌کردند. سازمان امنیت آن‌ها آماده عملیاتی بود که سیا (CIA) قادر به انجام آن نبود. در آن زمان اسرائیل مخالف توسعه نفوذ اتحاد جماهیر شوروی در خاورمیانه بود و اکنون مخالف رادیکالیسم اسلامی و اتحادگرایی اعراب است.

تندروترین هواداران اتحاد با اسرائیل را می‌توان در بین پروکرات‌های آمریکایی، نظامیان و تئوری پردازان آمریکایی یافت که تسلط آمریکا بر تمام جهان را یک وظیفه آمریکایی می‌دانند. اگرچه بسیاری از آن‌ها یهودی نیستند، اما بعضی از آن‌ها احترام کالونیستی (کالونین یکی از

## بعد از جنگ شش روزه ۱۹۶۷ تفکر (مترقی) پیش رو جامعه یهودی آمریکایی با بحران فزاینده و عمیقی روبرو شد. براساس این طرز تفکر جدید منتقدین اشغال سرزمین‌های عربی، خطری برای اسرائیل پیروز به حساب می‌آمدند. برای بسیاری از یهودی‌های ایالات متحده همبستگی با اسرائیل به‌عنوان پیوندی مطمئن با تاریخشان قلمداد می‌شد. هر چه دینداری بیشتر به‌صورت عادت درآمده بود، یا به عبارتی هر چه خود را نسبت به تعلیمات پیامبر یهود بیگانه‌تر احساس می‌کردند، همبستگی آن‌ها با دولت اسرائیل لازم‌تر می‌شد

اصلاح‌گران کلیسا و همراه با مارتین لوتر بنیانگذار مذهب پروتستان در اروپا بود) نسبت به قوم تورات عهد عتیق (انجیل قدیم) قایل بودند و همچنین مدیران شرکت‌های نفتی تگزاس که در حال حاضر مستقر در کاخ سفید هستند هم اسرائیل را به‌عنوان یک متحد غیرقابل جایگزین پذیرفته‌اند و سرانجام حادثه ۱۱ سپتامبر باعث تقویت همکاری جامعه یهودی و طیف‌های افراطی یکسونگر دستگاه سیاست خارجی شد. تلاش‌های صلح طلبانه کلیتون برای بسیاری از دوستداران اسرائیل فقط یک دوران تلخ تاریخی شد.

تلاش‌های کی‌سینجر و نیکسون برای استقرار ارتباط با شوروی سابق با مقاومت سرسختانه لابی صهیونیستی (لابی اسرائیلی) مواجه شد. آن‌ها معتقد بودند که مهاجرت بدون قید و شرط شهروندان یهودی اتحاد

# اروپا قحلی رفت

این که نام او به عنوان نامزد مطرح دموکرات‌ها برای انتخابات سال ۲۰۰۴ برده می‌شود، نشانه شکسته شدن تقریباً کامل اتحاد آمریکایی غیرهمگن بین تفکرات اصلاح‌طلبی سوسیالیست‌ها و تعلیمات یهودیت به وجود آمده در قرن بیستم است.

مورخین در آینده خواهند توانست نفوذ لابی اسرائیلی را دقیقاً بررسی نمایند. ولی از هم‌اکنون واضح است که نقش آن را نمی‌توان دست کم گرفت. نفوذ این لابی بر کنگره آمریکا، وسایل ارتباط جمعی و یا دانشگاه‌ها زیاد است و منتقدین هم در صورتی که خود یهودی نباشند، نشان ضدیهود می‌خورند و در غیر این صورت به عنوان کسانی که از خود بیزارند نامیده می‌شوند. نفوذ فعلی این لابی را می‌توان در اثر هماهنگی منافع آن‌ها با منافع جناح قدرت طلب در واشنگتن دانست.

غالب آمریکایی‌ها تعجب خواهند کرد اگر روزی مطلع بشوند که خواست‌های این گروه‌های لابی و قدرت طلبان به هیچ وجه در جهت منافع ملت نبوده است و همین‌طور لابی اسرائیلی هیچ‌گاه این سؤال را مطرح نخواهد کرد که نقش اسرائیل به عنوان ابزار سیاست خارجی آمریکا واقعاً به نفع اسرائیل است و یا نه؟

شاید اروپاییان به خاطر مسوولیتشان در دوران وحشت بایستی تکلیف خود را جدی گرفته و از اسرائیل قاطعانه بخواهند از مسیر خود به سمت نابودی خود خواسته دست بردارد. اگر اسرائیل هجوم بر ضد فلسطینی‌ها را ادامه دهد، موج خشونت غیرقابل کنترل به راه خواهد افتاد که نهایتاً به کوچ اجباری اعراب از کرانه باختری می‌انجامد و این باعث بروز جنگ‌های دائمی بین دول اسلامی اعراب و اسرائیل خواهد شد. در حال حاضر اسرائیل حتی با وجود تبلیغات حماسی معنوی قادر نیست نظامیان مخالف جنگ خود را به تغییر بینش ترغیب کند. این است که انسان متوجه می‌شود که بسیاری از افراد تحصیل کرده و مستعد اسرائیلی مایل به ترک کشور هستند. ماسادا<sup>(۲)</sup> متأسفانه دیگر یک جاذبه توریستی نیست، بلکه افسانه‌ای است که دایماً به واقعیت تلخ خود نزدیک می‌شود.

اگر اروپاییان واقعاً می‌خواهند چیزی را در خاورمیانه تغییر دهند، بایستی قبل از آن از آمریکا فاصله بگیرند. از طرف اتحادیه اروپا آقایان پاتن و سولانا و وزیرای خارجه انگلیس، فرانسه، آلمان، اسپانیا، سوئد و نخست‌وزیر فرانسه و صدراعظم آلمان در هفته‌های گذشته از آمریکا انتقاد کردند. اگرچه بر شدت حملات لفظی افزوده شده است، اما هیچ کدام تا به حال به این حد نرسیده‌اند که پیشنهاد بسته شدن فضای اروپا بر روی آمریکایی‌ها و یا عدم اجازه دسترسی به پایگاه‌ها را در صورت تجاوز به عراق عنوان کنند. تا موقعی که اروپایی‌ها سعی و توان خود را به نمایش نگذارند، آمریکایی‌ها با نگاه تحقیرآمیز از بالا به آن‌ها خواهند نگریست.

در نشست وزرای خارجه اتحادیه اروپایی در اسپانیا موضوع‌هایی مانند به رسمیت شناختن یک دولت فلسطینی، انتخابات آزاد و یک کنفرانس جدید صلح خاورمیانه با اشاره آمریکا از دستور جلسه خارج شد. تا چه زمانی اروپایی‌ها حاضر به پذیرش این رفتار قیم‌مآبانه هستند؟ آن‌ها بر ضد ایده احمقانه قتل عرفات اعتراض می‌کنند، اما اسرائیل را به اندازه کافی زیر

جماهیر شوروی به اسرائیل بایستی در اولویت سیاست خارجی آمریکا قرار گیرد. یکی از طرفداران پر و پا قرص این تلاش‌ها (طرفداری از اسرائیل) و یکی از مخالفین سرسخت قراردادهای کنترل تسلیحاتی آقای ریچارد پریل بود. او اکنون به عنوان مشاور ارشد دولت آمریکا مشخص می‌کند که به کدام جنبش و یا دولت باید لقب "تروریست" اطلاق گردد و در نتیجه به وسیله ایالات متحده از صحنه گیتی محو شود. دولت جمهوری خواه در حال حاضر از همه بیشتر پذیرای این توصیه‌هاست و شاید هم این پذیرش بدین خاطر است که می‌خواهد آرای یهودی‌های ایالات کالیفرنیا و نیویورک را از دست حزب دموکرات به در آورد. (یهودی‌های این ایالت‌ها به طور سنتی به دموکرات‌ها رأی می‌دهند) و اعضای حزب دموکرات هم در وابستگی کامل مالی به لابی اسرائیلی بسر می‌برند که مهمترین منبع تأمین مالی

**تلاش‌های کی‌سینجر و نیکسون برای استقرار ارتباط با شوروی سابق با مقاومت سرسختانه لابی صهیونیستی (لابی اسرائیلی) مواجه شد. آن‌ها معتقد بودند که مهاجرت بدون قید و شرط شهروندان یهودی اتحاد جماهیر شوروی به اسرائیل بایستی در اولویت سیاست خارجی آمریکا قرار گیرد. یکی از طرفداران پر و پا قرص این تلاش‌ها (طرفداری از اسرائیل) و یکی از مخالفین سرسخت قراردادهای کنترل تسلیحاتی آقای ریچارد پریل بود. او اکنون به عنوان مشاور ارشد دولت آمریکا مشخص می‌کند که به کدام جنبش و یا دولت باید لقب "تروریست" اطلاق گردد**

آن‌هاست. به همین دلیل و یا فاکتور اصلی است که آن‌ها در حال حاضر قادر به ارائه یک برنامه آلترناتیو برای سیاست توسعه طلبانه و لجام گسیخته آمریکایی بوش نیستند. بسیاری از دموکرات‌های آمریکایی از سیاست رویکرد تازه و همچنین جامعه بزرگ جانشین فاصله گرفته‌اند. یک مثال بارز برای چرخش از ایده آل سوسیالیستی در درون جامعه یهودیت آمریکایی، سیاستمدار برجسته یهودی آمریکایی جوزف لیبرمن از ایالت Connecticut است که نامزد معاونت رییس جمهوری ال‌گور شده بود. گذشته از نمایش عمومی وی به مقدس مآبی، او به منافع شرکت‌های بزرگ سرمایه‌داری مستقر در ایالت خود خدمت کرده و طرفدار سرسخت حمله به عراق است.

فشار نمی‌گذارند تا رفتار خود را عوض کند. باید توجه داشت که اتحادیه اروپا بزرگترین شریک تجاری اسرائیل است. یادآوری افسانه ماسادا یک مطلب است و بدیهی‌های تجارت خارجی مطلب دیگر.

اتحادیه اروپایی حق دارد غرامت نابودی تشکیلات فلسطینی را که با پول آن‌ها ساخته شده است، مطالبه نماید و در حالی که شهروندان اسرائیلی تا به حال این حق را داشتند و دارند که در داخل اتحادیه اروپا آزادانه رفت‌وآمد کنند، فلسطینی‌ها نمی‌توانند در داخل سرزمین خود تحرکی آزاد داشته باشند در چنین شرایطی چرا نیروهای مسلح اتحادیه اروپایی، ارتباطات خود را با اسرائیلی‌ها حفظ کرده‌اند، در حالی که آن‌ها در کرانه باختری رود اردن رفتاری مانند نیروهای میلوویچ در کوزوو را به نمایش می‌گذارند؟ آیا واقعا اروپایی‌ها هیچ‌گونه امکانی ندارند تا به

**اگر اروپاییان واقعا می‌خواهند چیزی را در خاورمیانه تغییر دهند، بایستی قبل از آن از آمریکا فاصله بگیرند. تا موقعی که اروپایی‌ها سعی و توان خود را به نمایش نگذارند، آمریکایی‌ها با نگاه تحقیرآمیز از بالا به آن‌ها خواهند نگریست.**

**در نشست وزرای خارجه اتحادیه اروپایی در اسپانیا موضوع‌هایی مانند به رسمیت شناختن یک دولت فلسطینی، انتخابات آزاد و یک کنفرانس جدید صلح خاورمیانه با اشاره آمریکا از دستور جلسه خارج شد. تا چه زمانی اروپایی‌ها حاضر به پذیرش این رفتار قیم‌آبانه هستند؟**

اسرائیل نشان دهند که برای سیاست خود هزینه گزافی را باید بپردازد؟ اکنون تعداد زیادی شهروند اسرائیلی وجود دارد، که به‌سادگی حاضر به پذیرش این اصل نیستند که این رفتار خشونت‌آمیز درسی است که از دوران وحشت گرفته شده و معنویت در سیاست خیال‌پردازی محض است. آن‌ها به واقع دریافته‌اند که این نوع تکامل در سیاست از دیدگاه معنوی محکوم به بطلان و تاریکی دایمی است. آن‌ها خواستار تحرک جدی و قدرتمند اتحادیه اروپایی در مسایل خاورمیانه‌اند. شاید این تحرک باعث تقویت مخالفین بوش در سوءاستفاده سفسطه‌گرایانه از بحران خاورمیانه شده و آن‌ها هم بر بی‌تحرکی فعلی خود غلبه کنند.

ارایه مجدد پروژه‌های قبلی بازسازی اقتصادی و اجتماعی خاورمیانه شروع باارزشی است. باید از یهودیان آمریکایی بخواهیم امکانات لازم برای

پرداخت غرامت به عرب‌های رانده شده و آواره را فراهم و آرایه نماید همین اعلان بحث درباره حضور نیروهای پاسدار صلح در نوار غزه و کرانه باختری اردن اثر مثبتی خواهد داشت. اروپاییان دارای امکانات وسیع سیاسی اقتصادی هستند که تا به حال از آن بهره کافی نبرده‌اند. گذشته از این اروپا باید قدرت تخیل (فانتازی) سیاسی و معنوی خود را نشان دهد. با توجه به انتخاب سیاست مصلحت‌گرایانه که تا به حال مرگ، نابودی و بحران به دنبال داشته است آن‌ها می‌توانند دورنمای یک تغییرات بنیادی را پایه و اساس یک سیاست منطق‌گرایانه قرار دهند.

بی‌نوشت‌ها:

۱- دریفوس یک افسر فرانسوی یهودی بود که در جنگ اول جهانی رشادت زیادی به خرج داد ولی بعد از جنگ به جرم خیانت در یک محاکمه جنجالی محکوم شد.

۲- ماسادا تپه‌ای است در نزدیکی بیت‌المقدس. قبل از میلاد مسیح یهودیان برضد دولت رومی حاکم قیام کرده و سرکوب شدند. آن‌ها به قلعه‌ای در ماسادا پناه برده و تا آخرین مهمات خود مقاومت کردند و بعد از اتمام مهمات به جای تسلیم شدن دست به خودکشی دسته‌جمعی زدند. ارتش اسرائیل هم برای تقویت روحیه از خودگذشتگی سربازان خود مراسم سوگند را در ماسادا برگزار می‌کند.

